

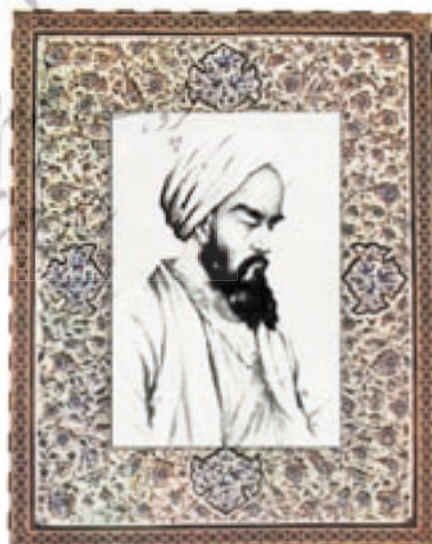
دانشمندان خداشناس

مهناز رحیم پور

دانش و دین دو بال جهت پرواز انسان به سوی کمال و سعادت هستند. خداوند متعال جهت تکامل انسانها و رسیدن آنان به سعادت، آنان را مجهز به نیروی تعقل نموده است. ضمن آنکه پیامبران نیز جهت راهنمایی بشر به کمک عقل آمده تا آدمی را در این راه یاری نمایند. در میان انسانها، دانشمندان همواره با به کارگیری نیروی خرد و دستورات دین در راه رسیدن به سعادت مطلوب و حقیقی که همان خداوند متعال است علم و دین را وسیله برای این هدف ساخته اند. زندگی بزرگان راهنمای نسل های آینده است زیرا از سیره آنان درس هایی را فرا می گیرند که تاثیری ماندگار و عمیق بر جای می گذارد؛ زندگی آنان از جنس تجربه و مشاهده است نه از جنس نصیحت های خشک یا توصیه های کلی و انتزاعی. آنان در پرتو ایمان به خدا و انجام تعالیم دین و با به کارگیری نیروی تعقل هر یک بخشی از بنای باشکوه علوم را پی نهاده یا برافراشته اند، و به این وسیله دانش بشری را به سوی کمال پیش برده اند. در این مقاله به نمونه ای از این دانشمندان اشاره می کنیم:

انسانی و مطالعات فرهنگی
مع علوم انسانی
محمد زکریای رازی

رازی اولین کسی بود که درباره طیب نماهای جاهل و بی مسئولیت که ظاهری عالم و متکبر دارند ذهن مردم را روشن کرد و به آنان هشدار داد. از دیدگاه او ارزش هر یک از فعالیت های انسان را میزان هماهنگی آن با خرد تعیین می کند، وی در این باره می نویسد: خداوند



به ما خرد ارزانی داشت تا از آن برای هر دو جهان بهره بگیریم. خرد بزرگترین موهبتی است که خداوند به انسان عنایت کرده است. با عقل از حیوانات برتری داریم. عقل است که زندگی ما را غنی و زیبا ساخته است. رسیدن به آرزوها جز از طریق به کار بردن خرد میسر نیست. خرد ما را یاری می دهد با ساختن کشتی و سفر بر دریا با سرزمین های آن سوی دریا آشنا شویم. دانش پزشکی یعنی آنچه برای تن مفید است و دانش های دیگر تنها با عقل به دست می آید. با خرد مسائلی را می آموزیم که پیش از این برای ما ناشناخته و دور از ذهن بود. رازی مردی خوش خو، کریم، خوش ذوق و دقیق بود با بیماران خویش به مهربانی رفتار می کرد و تا امراضشان را تشخیص نمی داد از آنان دست بر نمی داشت. به بیمارانی که استطاعت مالی نداشتند داروی رایگان می داد و گاهی غذای آنان را نیز خود تامین می کرد. با وجود اینکه معروف ترین پزشک و کیمیاگر عصر خویش بود، از مال دنیا هیچ بهره ای نداشت و با تنگدستی روزگار می گذراند.^۱



شیخ الرئیس ابو علی سینا

تمام جهان شیخ الرئیس را بزرگترین فیلسوف ایرانی می دانند و او را به هوش سرشار و نبوغی مثال زدنی می شناسند وی در بیشتر علوم زمان خویش کاملاً مسلط و در آنها صاحب نظر بود. او کمتر شبی را کامل می خوابید و در تمام روز هم سرگرم خواندن و یادگیری بود. هرگاه احساس می کرد که از درک مسئله ای عاجز است به مسجد می رفت و نماز می خواند و به یاری خداوند ابهام او برطرف می شد. حتی در خواب هم به مسائلی که در بیداری برایش مطرح بود فکر می کرد و گاه می توانست در عالم خواب جوابی برای آنها بیابد.^۲

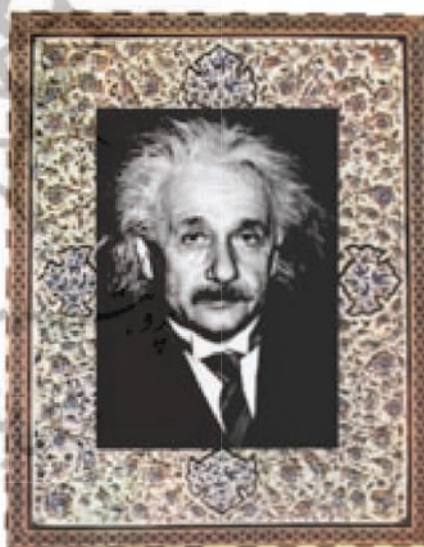
نیوتن

نیوتن همراه با مطالعات کیمیاگری مطالعه درباره الهیات را آغاز کرد. نیوتن هرگز کاری را بدون تفکر انجام نمی داد. او کسی بود که وقتی بررسی و تحقیق در مورد موضوعی را آغاز می کرد و در مطالعه و کندوکاو غرق می شد تا به نتیجه قابل قبول نمی رسید دست از مطالعه بر نمی داشت. او از مدتها قبل متقاعد شده بود که کتاب مقدس تحریف شده و اساس دین در انگلستان از همین کتاب تحریف شده نشأت گرفته است. نیوتن مفهوم تثلیث [پدر، پسر، روح القدس] را که در آن مسیح در مقامی هم سطح با خدا قرار می گیرد مردود می دانست از نظر او پرستش مسیح همانند خدا، گناهی بزرگ بود و بت پرستی محسوب می شد.^۳



انیشتمن و گالیله

انیشتمن در فاصله سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۸ اقدام به نگارش مجموعه مقالاتی کرد و در این مقالات دیدگاه های خود را درباره دین به وضوح در قلم آورد. او نوشت: تنها کسانی که از حس حیرت و شگفتی نسبت به عقلانیت و زیبایی جهان برخوردارند می توانند دانشمندان و مثالهای واقعی باشند. او اضافه می کند: تنها دانشمندانی کار خود را به درستی انجام می دهند که به واقع افرادی دیندار باشند. گالیله طلایه دار این تفکر بود. در نهایت این گالیله بود که در یکی از نامه های مشهورش اشاره کرد که دو راه برای رسیدن به خداوند وجود دارد: یکی از طریق متون مقدس و یکی از طریق مطالعه طبیعت. انیشتمن درباره



چگونگی دستیابی به قوانین اخلاقی مطالب بسیاری نوشته است. او در جایی می نویسد: ممکن است فکر کنید که می توانستید این مطلب را از مشاهدات و نحوه رفتار مردم استنباط کنید. اما از آنجا که مردم به روش های گوناگونی رفتار می کنند در این خصوص نمی توان از راه مشاهده عمل کرد. شما باید قوانین

اخلاقی ای مانند آنچه من در فیزیک خود به آن پرداخته‌ام پیدا کنید. این امر به معنای یافتن اصول بنیادینی است که می‌تواند در رأس مواردی که می‌توانید جزئیات را در آن خلاصه کنید قرار داد. باید اصولی را همچون «وجود خداوند داشته باشید». جامعه بشری زمانی می‌درخشد که هماهنگ باشد و از آن می‌توان رفتار اخلاقی را در پرتو قواعد کلی استنباط کرد؛ اما در کجا می‌توانید این قواعد کلی را پیدا کنید؟ شما و من و اکثر مردم نمی‌توانند این کار را انجام دهند بلکه افراد بسیار خاصی هستند که می‌دانند چگونه این قیاس‌های منطقی بنیادین را به واسطه هدایتگران که اصول بنیادین اخلاقی را آموزش می‌دهند دست یابند. در نظر او این هدایتگران پیامبران الهی هستند.



پروفسور حسابی

دکتر حسابی چهره شناخته شده برای ماست. ایشان حافظ قرآن بودند و اعتقادات مذهبی در ایشان شیدای عمیق داشت. در مباحثات همواره به آیات قرآن و روایات به عنوان شاهد و دلایل محکم استناد می‌کرد. استاد اعتقاد داشت که طبیعت تحت آهنگ موزون و عرفانی خود در حال نیایش است. «تئوری بی نهایت بودن ذرات» را با وحدت وجود مرتبط می‌دانست. ایشان می‌گفتند: «شاید بیست شاگرد ممتاز درس بخوانند و فارغ التحصیل شوند، ولی کسی که دید و نظر جدیدی دارد باید تقوا داشته باشد؛ چنین افرادی نسبت به دیگران برتری دارند.»



منابع

۱. مشاهیر علم در ۹۰ دقیقه، زیر نظر شورای بررسی، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۸۴.
۲. روزنامه جام جم، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۵، شماره پنجم دیدار.
۳. روزنامه پرتو سخن، چهارشنبه، ۹ شهریور ۱۳۸۴، سال ششم شماره ۲۹۳، ص ۷.